

مطالعات تفسیری آلا، الرحمن

فصلنامه علمی-تخصصی

گروه علمی-تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء

سال اول * شماره سوم * بهار ۱۴۰۲



بازخوانی تحلیلی شگردها و روش‌های جریان کفر در ستیز با اسلام و مسلمین از منظر قرآن

طیبه درخشان^۱

چکیده

جریان کفر پدیده‌ای است که از همان آغاز تاریخ اسلام تاکنون، هر جامعه‌ی انقلابی را از درون مورد تهدید قرار داده و می‌دهد، از این‌رو، شناسایی روش‌های نیروسازی این جریان در مقابل اسلام می‌تواند به‌عنوان مسئله‌ی روز جوامع اسلامی نیز مطرح باشد. شناخت تحلیلی شگردها و روش‌های جریان کفر در ستیز با اسلام و مسلمین و آشنایی با خطوط کلی جریان کفر و زمینه‌های تلاش آن‌ها برای نفوذ و دستیابی به‌درون جوامع انسانی و اسلامی، اقدامی لازم، بلکه ضروری و وظیفه‌ی هر مسلمان است. نوشتار حاضر که به‌روش کتابخانه‌ای و با استناد به آیات قرآن و منابع تاریخی و روایی گردآوری شده است، در نظر دارد معنا و مفهوم کفر را تبیین کند و به این پرسش پاسخ دهد که شگردهای متنوع جریان کفر در ستیز با اسلام و مسلمین، از منظر قرآن کریم چگونه است؟ برآیند و حاصل این تحقیق این است که در طول تاریخ جریان کفر، از شگردها و روش‌های متنوعی همچون: همانندسازی و حذف فیزیکی، بهره‌برداری از نقاط ضعف در جامعه‌ی اسلامی، اجرای سیاست گام به‌گام، استمرار در عرصه‌ی مقابله، اعمال عناد همه‌جانبه، شبهه‌افکنی، استهزاء و تمسخر، و ایجاد اختلاف و... برای مقابله با اسلام و مسلمین، بهره‌جسته است.

واژگان کلیدی

اسلام ستیزی، جریان کفر، روش‌ها و شگردها، شایعه‌پراکنی، نیروسازی.

مقدمه

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «در آن زمان فتنه‌ها و بدعت‌ها بر دین، چنان شایع می‌گردد که نوزادان بر آن بدعت‌ها نشو و نما می‌کنند و کودکان بر آن‌ها بزرگ می‌شوند و بزرگان بر آن‌ها پیر می‌گردند، تا اینکه آن بدعت‌ها به سنت مبدل می‌شود و چنان مستحکم می‌گردد که اگر چیزی از آن‌ها تغییر داده شود، فریادها بر می‌آید که سنتی تغییر داده شده است (ابن طاووس، ۱۳۹۸: ۱۵۳).

با توجه به واقعیات موجود در جامعه، نماد روشن این فتنه‌ها، جریان کفر است که همواره در طول تاریخ اسلام، به مقابله با اسلام و مسلمانان پرداخته است؛ خدای متعال در مقام توجه دادن به عناد کفار نسبت به مسلمین می‌فرماید: ﴿إِنْ يَنْقُضُوكُمْ يُكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَ أَلْسِنَتَهُمُ بِالْأَسْوَى وَ دُؤَا لَوْ تَكْفُرُونَ؛ اگر بر شما دست یابند دشمن شما باشند و بر شما به بدی، دست و زبان بکشایند و آرزو دارند که کافر شوید و مساوی آن‌ها شوید و کفر ورزید﴾ (ممتحنه: ۲). سران استکباری دنیای غرب، با تمرکز بر روی نقطه‌ی اصلی و طلایی اسلام، یعنی پیامبر عظیم الشان ﷺ، سعی در پیاده کردن اهداف شوم خود داشته و دارند؛ و از شگردهایی همچون: پیامبره‌راسی، اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی، ایران‌هراسی، ترویج اسلام متجدد از نوع اسلام تحریف شده ترکیه‌ای، قرائت اسلام با مدل عربستان سعودی و نماد داعش (اسلام وهابی) به‌عنوان مهم‌ترین راهبردهای خود بهره‌جسته‌اند. در جهان معاصر، انقلاب اسلامی ایران طلیعه‌دار تحول فرهنگی با مبانی دینی است؛ پس بر مدافعان آن لازم است از تلاش در جهت شناسایی شگردها و روش‌های سردمداران جهان استکباری غرب، دریغ نوزند؛ امید است با شناخت روش‌های نیروسازی جریان کفر، بتوان این جریان شوم را شناسایی نموده، و با آمادگی بیشتر، در جهت استقبال از ظهور دولت جهانی امام مهدی ﷺ گام بردارند.

الف) مفهوم شناسی کفر

۱. کفر در لغت

واژه‌ی «کفر»، در میان لغت‌شناسان، دارای معنایی واضح و یکسان می‌باشد؛ از باب نمونه،

سخن برخی از دانشوران لغوی را بازگو می‌نمایم:

راغب اصفهانی می‌گوید: «کفر در لغت پوشیده شدن چیزی است، شب را هم به خاطر اینکه اشخاص و اجسام را با سیاهی اش می‌پوشاند با واژه‌ی کافر وصف کرده‌اند و زارع را هم که پیوسته بذر و دانه را در زمین می‌افشاند و در خاک پنهان می‌کند کافر گویند» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۵۶۸).

جوهری نیز گفته است: «به‌شب تاریک کافر می‌گویند، زیرا با تاریکی خود، همه چیز را می‌پوشاند. بنابراین از آن جهت به‌کافر، کافر می‌گویند که نعمت‌های الهی را پوشانده و مخفی می‌نماید. به‌کشاورز نیز از آن جهت کافر می‌گویند که بذر و دانه را با خاک می‌پوشاند» (جوهری، ۱۴۱۰: ۸۰۸/۲).

۲. کفر در اصطلاح

در کتب کلامی و تفسیری عالمان شیعی و سنی، عباراتی متنوع در جهت تبیین معنی اصطلاحی واژه‌ی «کفر» آمده است؛ از باب نمونه:

یک: تعریف سیدمرتضی رحمته‌الله

سیدمرتضی رحمته‌الله گوید: «کفر عبارت از اخلال و کوتاهی در معرفت به‌خداوند و توحید و عدل و رسالت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. حال این اخلال به‌صورت جهل باشد یا شک در آن‌ها و یا به‌صورت اعتقاد به‌اموری باشد که با وجود آن‌ها دستیابی به‌معارف فوق ناممکن می‌شود. این آخری را از آن جهت معتقدیم که اگرچه در ارتباط مستقیم با معارف فوق نیست، اما باعث اخلال در معرفت واجب می‌شود. مثلاً اصحاب بدعت‌ها اعتقادی دارند که در دستیابی به‌معرفت درست از خدا و رسول، مانع ایجاد می‌کند. حاصل آن که نزد ما کفر از افعال قلوب است نه جوارح، همان‌طور که ایمان را فعل قلبی گرفتیم» (سیدمرتضی، ۱۳۹۹: ۵۳۴).

دو: تعریف شیخ طوسی رحمته‌الله

شیخ طوسی (مفسر، فقیه، و متکلم بزرگ شیعه)، تأییدکننده‌ی بیان سیدمرتضی رحمته‌الله است (طوسی، ۱۳۹۴: ۶۳۵) و به‌نقل از او چنین آورده است: «کفر واژه‌ای عربی به‌معنای پنهان کردن و پوشاندن است و بر چیزی اطلاق می‌شود که باعث استحقاق عقاب دائمی و عظیم شود و

البته در دنیا هم احکام خاصی بر آن مترتب است» (طوسی، ۱۴۰۶: ۲۲۷؛ طوسی، ۱۳۹۴: ۶۳۵؛ مرتضی، ۱۳۹۹: ۵۳۴)؛ این عالم بزرگ شیعه، در ادامه می‌فرماید: «کفر را عبارت از اخلال و کوتاهی در معرفت به خداوند، توحید، عدل و رسالت پیامبر اسلام ﷺ دانسته‌اند که ممکن است ناشی از جهل یا شک باشد و گاه ناشی از اعتقاد به اموری است که با وجود آن‌ها دستیابی به معارف فوق ناممکن می‌شود. کفر را همانند ایمان، امری قلبی دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۹۴: ۶۳۵).

سه: تعریف آیت‌الله سبحانی

«کفر همان عدم ایمان نسبت به آن چیزی است که سزاوار ایمان است چه به‌گونه‌ی تفصیلی مانند ایمان به توحید الهی و رسالت پیامبر اکرم ﷺ و معاد و...؛ و چه به‌نحو اجمالی. مانند ایمان نسبت به ضروریات دین و بلکه همه‌ی آنچه پیامبر اکرم ﷺ به‌عنوان دین آورده است مانند وجوب نماز، زکات و... در حقیقت ایمان به ضروریات و احکام دین از ایمان به رسالت نبی اکرم ﷺ ناشی می‌شود. به این معنا که ایمان تفصیلی نسبت به رسالت نبی اکرم ﷺ مستلزم ایمان به وجوب نماز، زکات و... است. به عبارت دیگر ایمان به رسالت، ایمان به وجوب نماز هم هست و انکار وجوب نماز در حقیقت انکار رسالت است. بر این اساس انکار وجوب نماز، کفر ورزیدن نسبت به آن چیزی است که اجمالاً باید بدان ایمان داشت» (سبحانی، ۱۴۱۶: ۴۹).

نکات اساسی در مورد کفر

- الف: باید توجه داشت که واژه‌ی «کفر»، دارای کاربردهای متعدد است؛ از جمله:
۱. گاهی در مقابل اسلام به کار می‌رود که در این صورت مربوط به ظاهر و بیان‌گر نحوه‌ی معامله‌ی دنیایی مسلمانان با کفار است؛
 ۲. کاربرد دیگر آن در مقابل ایمان است که در این کاربرد، معنایی ضیقی دارد و آن همان چیزی است که سید مرتضی رحمته‌الله در باره‌ی آن گفته است: «مایه استحقاق عقاب دائم»؛
- ب: در تحقیق حاضر، کفر به معنی «انکار» مدنظر است؛ که در مقابل ایمان است و آن عبارت است از اینکه شخص، با قلب و زبان خود به انکار خدا یا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یا دیگر امور اعتقادی ضروری دین پردازد.

۱. با توجه به نکته قبلی، قلمرو و مصداقی واژه‌ی کفر، وسیع می‌باشد؛ بدین جهت می‌گوییم: فرقه‌ی یهود و دیگر طوایف از اهل کتاب منکر آموزه‌های اسلام و معاند با مسلمین نیز، از کافران محسوب می‌شوند.

۲. جلوه‌هایی از شگردها و روش‌های متنوع جریان کفر در مقابله با اسلام و مسلمین.

تبیین شگردها و روش‌های جریان کفر

از تتبع در مفاد آیات قرآن کریم، به‌وضوح می‌یابیم که جریان کفر، جهت مقابله با اسلام و مسلمین، و نیروی‌های ایمانی، از شگردها و روش‌های متنوعی بهره‌جسته است؛ در ادامه‌ی این مقاله، به‌بررسی این شگردها و روش‌ها پرداخته می‌شود:

یک: همانندسازی یا حذف فیزیکی

کفاری که در مقابل انبیای الهی قرار می‌گرفتند، از قدرت نرم در رویارویی با جریان حق استفاده می‌کردند و پیامبران قوم خویش را بین دو راه مخیر می‌ساختند:

- عدول از مسیر الهی و پذیرفتن آداب و رسوم و فرهنگ حاکم بر جامعه؛
- خروج از دیارشان؛

قرآن در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهَلِكَنَّ الظَّالِمِينَ؛ و کسانی که کافر شدند به پیامبران‌شان گفتند شما را از سرزمین خودمان بیرون خواهیم کرد مگر این‌که به‌کیش ما بازگردید﴾ (ابراهیم: ۱۳ و ۸۸). و بدین‌گونه با تهدید پیامبران و افراد جامعه سعی در دور کردن مردم از اطراف مأموران الهی داشتند.

دو: بهره‌برداری از نقاط ضعف

کفار و مستکبران در بُعد اجتماعی و شیاطین در بُعد فردی، از نقاط ضعف انسان وارد می‌شوند. شیاطینی که در جهت گمراهی فرد تلاش می‌کنند؛ به‌نقاط ضعف انسان آگاهند. رمز این‌که مخلصین می‌توانند از دام‌های شیطان‌رهایی پیدا کنند، آن است که آن‌ها به‌هیچ چیز جز خدا اتکا ندارند. در واقع، هرچه توکل و اعتماد فرد بر غیر خدا باشد، احتمال انحرافش

از مسیر الهی بیشتر است، زیرا شیطان با تمسک به همان نقاط مورد اعتماد فرد، در انسان نفوذ می‌کند. کفار و مستکبران و شیاطین انسانی نیز با انجام مطالعاتی عمیق، دقیق و روان‌کاوی افرادی که در مقابل ایشان قرار دارند، اقدام به ضربه زدن به آن‌ها می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین ساز و کارهای نفوذ دشمنان جبهه‌ی حق، بهره‌گیری از اطلاعات کامل برای رسیدن به مقاصد شوم است؛ از این‌رو، نفوذی‌ها (که به اصطلاح «سَمَاعُونَ» شناخته می‌شوند)، شنودکنندگان مطالب به قصد جاسوسی و ضرررسانی هستند. سامری به‌عنوان نفوذی، با بهره‌گیری از اطلاعات و نقاط ضعف امت حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام دانست که آنان به‌بت‌پرستی گرایش شدید دارند و با اینکه خداوند همه‌ی معجزات بصیرت‌آفرین و بصیرت‌بخش را به‌قوم آن حضرت نشان داده بود؛ اما آنان حتی پس از مشاهده‌ی معجزه‌ی شکاف دریا و نجات امت و غرق فرعونیان، با دیدن مردم روستایی از آن بزرگوار خواستند که بتی برای آنان فراهم آورد؛ خدای متعال در مقام بازگویی این کارکرد نادرستشان، فرموده است:

﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامِهِمْ لَّهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا آلِهًا كَمَا لَهُم آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ؛ و بنی اسرائیل را از دریا به ساحل رسانیدیم، پس به‌قومی که بر پرستش بتان خود متوقف بودند برخورد، گفتند: ای موسی برای ما خدایی مثل خدایانی که این بت‌پرستان راست مقرر کن. موسی گفت: شما سخت مردم نادانی هستید﴾ (اعراف: ۱۳۸).

این آیه حقیقتاً گویای نهایت نادانی و جهالت بنی‌اسرائیل است که بعد از دیدن آن‌همه معجزات و آیات باهره و اینکه دیدند خدا چطور دریا را برایشان شکافت و آن‌ها را از چنگ فرعون نجات داد، باز هم بادیدن یک قوم بت‌پرست که در برابر بت‌ها سجده و تعظیم می‌کردند، هوس بت‌پرستی کرده و به‌موسی می‌گویند برای ما هم چنین معبودی بساز تا ما او را عبادت کنیم، درحالی‌که بت‌پرستی جز به‌هلاکت و ضلالت منجر نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۲۹۸).

و بدین‌گونه، سامری از این اطلاعات و زمینه‌های ضعف آنان سود جست و برای رسیدن به‌مقام رهبری، تغییر حکومت و حاکمیت تلاش کرد و گوساله‌ی زرین را جایگزین خدای

رب العالمین نمود؛ خدای متعال برای عبرت‌آموزی از قصه‌ی دردناک فرمود: ﴿كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءٍ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا؛ این‌گونه از اخبار پیشین بر تو حکایت می‌کنیم و مسلماً به‌تو از جانب خود قرآنی داده‌ایم﴾ (طه: ۹۹).

سه: اجرای سیاست گام به گام

از دیگر روش‌های نیروسازی جریان کفر یا همان مستکبران، استفاده از راه‌های بسیار ظریف، گام به گام و نامحسوس است؛ تا بتوانند روحیه‌ی الهی را از یک جامعه‌ی اسلامی سلب نمایند و آن‌ها را در پای مردی بر اصولشان، دچار شک و تردید نمایند.

در قرآن تبعیت مؤمنین از شیاطین انسانی حتی در امور جزئی نفی شده است؛ چراکه این‌گونه تبعیت برای جامعه‌ی مسلمین پیامدهای بزرگ‌تری را به دنبال دارد؛ از جمله تاکتیک‌های آنان، عبارت است از: اجرای سیاست گام به گام در جامعه؛ که سرانجام، منجر به حاکمیت کفر بر جامعه‌ی مسلمین و در نهایت، ضعف و نابودی ایمان در بین آنان می‌شود؛ بدین جهت، خداوند به مؤمنین در خصوص این روش هشدار می‌دهد؛ آن‌گونه که از آن‌ها می‌خواهد که از «خطوات» و گام‌های شیطان تبعیت نکنند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ ای مردم! از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که در زمین است بخورید؛ و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید؛ زیرا او دشمن آشکار شماست﴾ (بقره: ۲۰۸ و ۱۶۸ و ۱۴۲).

با بررسی آیه‌ی مذکور مشخص می‌شود که عبارت ﴿خطوات الشیطان﴾ (گام‌های شیطان) اشاره به یک مسئله‌ی دقیق تربیتی دارد؛ و آن اینکه: جریان کفر، به صورت گام به گام، سیاست خود را پیش می‌برد و انحراف غالباً به‌طور تدریجی نه به صورت دفعی در انسان نفوذ می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۷۲/۱-۵۷۳-۵۷۳ و ۸۳/۲).

پس باید توجه داشت که مستکبران از راه‌های بسیار ظریف سعی می‌کنند تا به‌صورتی نامحسوس، روحیه‌ی الهی را از یک جامعه‌ی اسلامی سلب نمایند و آن‌ها را در پیگیری اصولشان دچار شک و تردید نمایند؛ تا از این طریق، به قدرتی قابل توجه، دست یابند، و با

استفاده از ضعف ایمان و انحراف جامعه‌ی مسلمین، به‌راحتی بتوانند به‌اهداف شوم خود دست یابند.

چهار: استمرار در عرصه مقابله با اسلام و مسلمین

یکی دیگر از روش‌های قابل توجه که در بحث از نیروسازی کفر در قرآن کریم مطرح است، آن است که شیاطین و کفار در مسیر حرکت به‌سمت رسیدن به‌اهداف شوم خود، از نوعی استمرار در عمل برخوردار هستند. قرآن در این زمینه می‌فرماید: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾؛ می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خداگر چه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد گردانید ﴿(صف: ۸).

به‌کار بردن فعل مضارع ﴿يُرِيدُونَ﴾ در آیه و دلالت آن بر استمرار (از گذشته تا به‌حال) بیان‌کننده‌ی آن است که کفار و شیاطین همواره در عمل خود و مقابله با اسلام و مسلمین استمرار و پافشاری دارند. بدین معناکه شیاطین جن و انس در توطئه‌ی خویش علیه حرکت‌های تعالی‌بخش جدی هستند و با شکست در یک توطئه از راهی دیگر وارد می‌شوند تا این‌که یک انسان متعالی یا یک جنبش دینی را به‌انحطاط بکشند (تفقی تهرانی، ۱۳۷۶: ۵/۱۹۶).

قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ؛ و کسانی که زیردست بودند به‌کسانی که [ریاست و] برتری داشتند می‌گویند [نه] بلکه نیرنگ شب و روز [شما بود] آنگاه که ما را وادار می‌کردید که به‌خدا کافر شویم﴾ (سبأ: ۳۳)

آن‌چه ضامن حفظ یک انقلاب الهی بر پایه‌ی دین می‌باشد، استمرار فیوضات غیبی در پرتو تبعیت از رضوان الهی در بُعد فردی و اجتماعی است و آن نیز در نتیجه‌ی استقامت در دین‌داری علی‌رغم استمرار در توطئه‌ها و در نهایت، دفع خطرات آن‌ها می‌باشد؛ آن‌گونه که قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾؛ و چنانچه مردم شهر و دیارها همه‌ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی آن‌ها می‌گشودیم و لیکن

(چون آیات و پیغمبران ما را) تکذیب کردند ما هم آنان را سخت به کفر زشتشان رساندیم ﴿اعراف: ۹۶﴾ برخی از مفسران بر این باورند که بشارت این آیات بر "استقامت"، به معنای "توانمند بودن در برابر روش‌های مستمر کفار" در توطئه‌ها است ﴿قرآنی، ۱۳۸۳: ۱۲۳/۳﴾.

پنج: اعمال عناد همه جانبه

کفار و شیاطین، دشمنان آشتی‌ناپذیر مسلمانان هستند؛ قرآن، مسلک آن‌ها را از زبان ابلیس این‌گونه بیان فرموده است: ﴿ثُمَّ لَاقَيْنَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَ لَاتَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ﴾؛ آن‌گاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آن‌ها می‌تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت ﴿اعراف: ۱۷﴾

بنابر بیان علامه طباطبایی، مقصود از ﴿مَنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ﴾ رویدادهایی است که در زندگی برای آدمی پیش می‌آید، حوادثی خوشایند یا ناگوار؛ و مراد از ﴿مِنْ خَلْفِهِمْ﴾ اولاد و اعقاب است. مقصود از سمت راست که سمت مبارک و نیرومند آدمی است، سعادت و دین او است. و «آمدن شیطان از دست راست» به این معنا است که وی آدمی را از راه دین‌داری بی‌دین می‌کند و او را در بعضی از امور دینی وادار به افراط به چیزهایی که خداوند از آدمی نخواست است می‌کند. در نهایت منظور از «سمت چپ» بی‌دینی می‌باشد، به این معنا که فحشا و منکرات را در نظر آدمی جلوه داده و وی را به ارتکاب معاصی وادار می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۷/۸-۳۸).

چپ‌روی و راست‌گرایی، تقدس و تحجر در مقابل سهل‌انگاری در امور دینی همه از نتایج حاکمیت شیطان بر یک انسانند. کفار و شیاطین انسانی نیز با توطئه‌های همه‌جانبه‌ی فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی سعی در نابودی یک انقلاب دینی دارند (آل‌یاسین، ۱۳۴۸: ۱۹۱).

شش: شبهه‌افکنی

کفار با نفوذ در جامعه‌ی مسلمانان، سعی می‌کنند انواع شبهات را در جامعه رواج دهند و از این طریق ثبات جامعه‌ی اسلامی را دچار تضعیف کنند، آنچنان که در طول تاریخ نیز شاهد انواع شبهه‌افکنی‌ها بوده و هستیم. آنان با رصد دقیق اطلاعات و اخبار و مواضع رهبری مسلمانان بر آن هستند تا متشابهات را انتخاب کنند و زمینه‌ی تضعیف اعتقادات مسلمین را

فراهم آورند. این گونه است که شبهه افکنی و بهره گیری از متشابهات کلامی به عنوان ساز و کار در دستور کار آنان قرار می گیرد؛ این است که می بینیم خدای متعال، پس از دسته بندی آیات قرآن به «محکّمات» و «متشابهات»؛ به کارکرد منفی باطل پیشه گان توجه داده، و چنین فرموده است: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ؛ اما کسانی که در دلهایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تاویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می کنند﴾ (آل عمران: ۷). خدای متعال، راه برون رفت از این حیلای دشمنان دین، و رهیدن از این کمند خطرناکشان را، توجه به آموزه های روشن و محکم قرآن دانسته و می داند؛ زیرا او فارق بین حق و باطل است؛ در این زمینه می توان از باب نمونه به آیه ۴ سوره ی آل عمران اشاره نمود؛ که در آن آمده: ﴿مَنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأُنزِلَ الْفُرْقَانِ إِن الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ؛ برای هدایت مردم، و نیز کتاب جداکننده میان حق و باطل (یعنی قرآن) را فرستاد. همانا آنان که به آیات خدا کافر شدند بر آن ها عذاب سختی است﴾ (آل عمران: ۴).

در این آیه ضمن بیان یکی از نام های قرآن یعنی "فرقان" این گونه اشاره شده است که قرآن راه تشخیص حق از باطل می باشد و با رجوع و استناد به این منبع متقن، راه رواج هرگونه شبهه در جامعه ی مسلمین بسته خواهد بود (قرآنی، ۱۳۸۳: ۱/۴۶۶).

نکته ی قابل توجه در زمینه ی شبهه افکنی ها این است که شبهه افکنی ها، در زمینه های مختلف (هر زمینه ای که به نفع دشمنان باشد) انجام می پذیرد؛ گاه این شبهه افکنی نسبت به نوع عملکرد رهبری جامعه اتفاق می افتد؛ از باب نمونه می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- رهبر جامعه ی اسلامی را به قومیت گرایی، هواداری از خویشان و اقوام، عَلَّ و غش در مسائل اقتصادی متهم می کند؛ قرآن در اشاره به این مورد می فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا عَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ و هیچ پیغمبری خیانت نخواهد کرد، و هرکس خیانت کند روز قیامت با همان خیانت بیاید (و به کیفر آن برسد) و هرکس هر عمل به جا آرد به جزای کامل آن می رسد و به هیچ کس ستمی نخواهد شد﴾ (آل عمران: ۱۶۱).

- قدرت طلبی و سلطه جویی: ﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْجِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ؛ پاسخ ده که من مالک نفع و ضرر خود نیستم (تا چه رسد به دیگران) مگر هر چه خدا خواهد، برای هر امتی اجل معینی است که چون فرا رسد ساعتی پس و پیش نخواهند شد﴾ (یونس: ۴۹).

- اشاعه‌ی منکر در جامعه‌ی اسلامی؛ قرآن کریم در اشاره به این اقدام باطل پیشه‌گان می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ آنان که (چون عبدالله ابی و منافقان دیگر) دوست می‌دارند که در میان اهل ایمان کار منکری اشاعه و شهرت یابد آن‌ها را در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود و خدا (فتنه‌گری و دروغشان را) می‌داند و شما نمی‌دانید﴾ (نور: ۱۹).

هفت: استهزاء و تمسخر

کافران همواره برای پوشاندن ضعف و زبونی و حقارت خود در برابر پیام روشن و رهایی‌بخش پیامبران الهی از شیوه‌ی نخ‌نمای استهزاء و تمسخر استفاده می‌کرده و می‌کنند؛ خداوند در آیات متعددی از این شگرد آنان خبر داده است؛ از جمله: خطاب به رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: ﴿وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوعًا؛ و کافران هنگام ملاقات تو، تو را جز به استهزاء نگرفته (و گویند) آیا این شخص است که بتان را که خدایان شما هستند (به‌اهانت و بدی) یاد می‌کند؟ و (ای رسول ما بدان که) محققا آن‌ها به‌ذکر خدای مهربان (و کتاب و آیات او) کافر هستند﴾ (انبیاء: ۳۶).

واقعیات خارجی حکایت از این دارد که: عده‌ای از انسان‌های کج‌اندیش بر این باورند: با اهانت به مقدسات دین مبین اسلام، می‌توانند مسیر حق و بیداری انسان‌ها را به نفع خود تغییر دهند؛ بدین جهت است که امروزه بدترین نوع کینه‌توزی‌ها را از سوی دشمنان نسبت به جامعه‌ی اسلامی و پیامبر اکرم ﷺ و قرآن کریم شاهد هستیم؛ از باب نمونه:

بی‌آبرویی کشور فرانسه و لجاجت کم‌خردانه‌ی سردمداران کفر در حمایت از توهین به ساحت قدسی خاتم النبیین ﷺ، علاوه بر آنکه عمق دشمنی جاهلیت مدرن با دین اسلام و

تمامی ادیان الهی را نشان می‌دهد، نیز موید آن است که آموزه‌های عدالت‌طلبانه‌ی آن حضرت، بزرگترین باطل‌البحر ظلم جهانی و تمدن‌سراسر باطل غرب، و راه‌هایی ابناء بشر از چنگال جریان زر، زور و تزویر جهانی است. اینان غافل از آن هستند دیگر این نقشه‌های ترسیم شده در اندیشکده‌های صهیونیستی، جواب نخواهد داد و حقیقت آشکار خواهد شد.

هشت: ایجاد اختلاف در بین صفوف متحد مومنان

یکی از مهم‌ترین شیوه‌ی دشمن کافر، بهره‌گیری از ابزار «تفرقه بینداز و حکومت کن» (divide et impera) است؛ مثل معروفی که به فیلیپ دوم مقدونی پدر اسکندر مقدونی نسبت داده شده و پس از او توسط ژولیوس سزار و ناپلئون بناپارت، به عنوان یک استراتژی مورد استفاده قرار گرفته است (نک: داعش میراث شوم استعمار برای خاورمیانه، دلایل تجزیه امپراطوری عثمانی)، پایگاه خبری یافته، ۲۷-۰۹-۲۰۱۴؛ سونیت، ۱۳۸۵: ۲۷).

اما امروزه این سیاست دشمن، به شعار «تَفَرُّقٌ، تَهْدِیمٌ» به معنای «تفرقه بینداز و نابود کن» تبدیل شده است؛ سیاست امروزی استکباری آمریکا از زمان جورج واشنگتن تا اواما که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در جلسه‌ای با مشارکت اعضای ام.آی. ایکس انگلستان (آگاه‌ترین تشکیلات نسبت به مسائل منطقه‌ی خاورمیانه) اتخاذ گردید. آنان تصمیم گرفتند: این سیاست را در درون جریان شیعه و روحانیت مذهبی به اجرا بگذارند و ۹۰۰ میلیون دلار هم پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای این امر اختصاص دادند. (خبرگزاری تسنیم، اول اسفند ۱۳۹۲ - ۱۰: ۳۷).

خداوند نتیجه‌ی اختلاف میان سطوح مختلف جامعه را از دست رفتن اتحاد در حکومت و حاکمیت اجتماعی ایمانی می‌داند، از همین رو در برابر اجرای سیاست تفرقه‌انگیز کفار، به جامعه‌ی مسلمین این گونه توصیه می‌نماید که: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است ﴿(انفال: ۴۶).

خداوند به مسلمانان توصیه می‌کند: در صورت بروز هرگونه عامل اختلاف (چون شایعات درباره‌ی رهبری و مانند آن)، به رهبر مراجعه کنند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید؛ پس هرگاه در امری اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید؛ این بهتر و نیک فرجامتر است ﴿نساء: ۵۹﴾.

البته دشمنان، برای ایجاد اختلاف در بین صفوف متحد مومنان، از طرق گوناگونی بهره می‌گیرند؛ که در این مجال، به سه نمونه اشاره می‌شود:

اول: بهره‌گیری از ابزارهای جنگ نرم

از بیان گذشته به دست آمد که برهم زدن اتحاد میان مسلمانان، از رئوس سیاست‌های دشمن می‌باشد و آنان برای رسیدن به این هدف، از هر روشی برای نفوذ و رخنه در صفوف مسلمین استفاده می‌کند؛ از جمله: به‌کارگیری هم‌هی ابزارهای مؤثر در تغییر فکر، فرهنگ و سبک زندگی؛ و در این راستا به‌ذکر نمونه ذیل بسنده می‌شود:

بهره‌گیری از محافل نجوا و توطئه‌چینی با استفاده از مراکز مقدسی چون مسجد، در دستور کار قرار دشمنان قرار می‌گیرد تا با استفاده از اطلاعات و اخبار درونی جامعه، وضعیت و موقعیت‌ها تحلیل شود و براساس آن، فعالیت انجام گیرد. قرآن در آیه‌ی ۴۷ سوره‌ی مبارکه‌ی توبه این‌گونه بدین ترفند اشاره می‌فرماید: ﴿لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعَوُا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ؛ اگر [هم] با شما بیرون می‌آمدند، جز شرّ و فساد به شما نمی‌افزودند و مسلماً خود را برای سخن چینی [و تمامی] در میان شما قرار می‌دادند تا [برای از هم گسستن شیرازه سپاه اسلام] فتنه جویی کنند و در میان شما جاسوسانی برای آنان هستند [که به نفعشان خبرچینی می‌کنند]؛ و خدا به ستمکاران داناست ﴿توبه: ۴۷﴾.

خداوند در آیهی دیگری از جریان نفوذی این چنین پرده بر می دارد:

- ﴿وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَلُوا إِلَىٰ شَٰطِئِهِم مَّقَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ؛ و چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند، می گویند ایمان آوردیم و چون با شیطان های خود خلوت کنند، می گویند در حقیقت ما با شما ایمیم. ما فقط [آنان را] ریشخند می کنیم)، نیز به یاران خود می گویند: چرا از آنچه خداوند بر شما گشوده است برای آنان حکایت می کنید تا آنان به [استناد] آن، پیش پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند؛ آیا فکر نمی کنید؟﴾ (بقره: ۱۴).

- ﴿وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَالَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَ تَحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُخَاجِبَكُمْ بِعِنْدِ رَبِّكُمْ أَمْ فَلَا تَعْقِلُونَ؛ و بدین گونه دشمن کافر از خود مسلمانان به منظور نیروسازی در جهت رسیدن به اهداف شوم خود استفاده می کند و افراد ساده لوح را تبدیل به نیرویی مؤثر در جبهه خود می نماید﴾ (بقره: ۷۶).

دوم: وارونه جلوه دادن حقایق

وارونه جلوه دادن حقایق راه دیگری برای برهم زدن اتحاد میان مسلمانان است؛ تعبیر نادرست و غیر منطقی از سخنان و آموزه های وحیانی قرآن و اسلام، از جمله راه کارهای نفوذی های دشمن کافر برای رسیدن به مقاصد خودشان است. دشمن بر آن است تا به صورتی غیر منطقی مفهومی دیگر از سخن و آموزه های دین اسلام به شنونده و مخاطب خود إلقاء نماید؛ از این رو در آیهی ﴿يَحَرِّفُونَ الْكَلِمَٰةَ مِنۢ بَعْدِ مَوَٰضِعِهَا﴾ (نساء: ۴۶) به این ساز و کار نفوذی ها تأکید شده است.

از آیهی ۷۹ سورهی مائده و آیات همخوان با آن، به دست می آید که یهودیان بنی نظیر به دلیل پیمان شکنی و قصد ترور پیغمبر ﷺ، مجازات شده و از مدینه اخراج شدند. سران بنی نظیر، که کینهی اسلام را در دل داشتند، طرحی فراگیر به منظور براندازی اسلام پی ریزی کردند؛ از این رو عده ای از آن ها از جمله حی بن اخطب به مکه رفتند و قریش را تحریک کردند. قریش از آن ها نظرشان را در مورد دین خودشان و مقایسه آن با دین اسلام جو یا شدند. یهود از قریش

خواست تا دین خودشان را بر آن‌ها عرضه کنند. بت پرستان مکه گفتند: «ما کسانی هستیم که قربانی می‌کنیم؛ حاجیان را آب می‌دهیم؛ صله رحم می‌کنیم، ما اهل حرم هستیم، دین ما قدیمی است؛ اما دین محمد ﷺ، جدید و قاطع رحم و از دین پدرانش جدا شده است و ...». «حی ابن اخطب و اطرافیان‌ش با شنیدن این سخنان جواب دادند: «دین شما بهتر است و شما هدایت یافته‌تر هستید» (طبرسی، ۱۳۵۲: ۹/۶۳۳؛ طبری، بی تا: ۷/۹۹۹؛ سبحانی، ۱۴۱۶: ۶/۳۰).

نویسنده‌ی کتاب «تاریخ یهود و عربستان» در اشاره به این رفتار نادرست این عده از یهودیان، چنین نگاه‌شده است: «هرگز ارزش نداشت یهود چنین خطایی را مرتکب شود. هر چند قریش با تقاضای آن‌ها موافقت نکنند، هرگز صحیح نبود ملت یهود به بت پرستان پناه ببرند؛ زیرا این رفتار با آموزه‌های تورات موافق نیست (هیکل، بی تا: ۷۸۴).

به هر حال، با اینکه یهود یقین داشت دین اسلام حق است، مرتکب چنین قضاوت باطل شد، تا از این راه به مقاصد خود دست یابد و همین موجب گردید تا آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء در این باره نازل شود؛ که در آن آمده: ﴿مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يَحْرِفُونَ الْكَلِمَةَ عَنِ مَوَاضِعِهَا وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعَيْنَا لِيَا بِالسِّنِّهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا؛ گروهی از یهود کلمات (خدا) را از جای خود تغییر داده و گویند: (فرمان خدا را) شنیدیم و (از آن) سرپیچیم و (به جسارت گویند) بشنو که (کاش) ناشنوا باشی؛ و گویند ما را رعایت کن. و گفتار ایشان زبان‌بازی و طعنه و تمسخر به دین است. و اگر (به احترام) می‌گفتند که ما (فرمان حق را) شنیدیم و (تورا) اطاعت کنیم و تو نیز (سخن ما) بشنو و به حال ما بنگر، هر آینه آنان را نیکوتر بود و به صواب نزدیکتر، لیکن چون کافر شدند خدا آن‌ها را لعنت کرد، و به جز اندکی ایمان نخواهند آورد»

رهبر فرزانه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در اشاره به نادرستی این گونه رفتارها فرموده است: «می‌بینید گاهی بعضی آیه‌ی قرآن را می‌خوانند برای کوبیدن اسلام! برای کوبیدن جمهوری اسلامی! برای نابود کردن فضائلی که جمهوری اسلامی در اختیار ما قرار داده است! وقتی به بیماری‌های اخلاقی دچار می‌شویم، وقتی دچار حسدیم، وقتی دچار بدخواهی هستیم،

وقتی دچار حرصیم، وقتی دچار دنیاطلبی هستیم، وقتی شهوات بر ما غلبه دارد، وقتی قدرت طلبی ها بر ما غلبه دارد، وقتی حق کشی و ندیدن حق، کتمان حق بر روح ما، بر دل ما غلبه دارد، از قرآن استفاده نمی کنیم، ضد آنچه که باید قرآن به ما بدهد، از قرآن ضد آن را دریافت می کنیم. باید به خدا پناه برد» (https://hawzah.net/fa/magazine/view/5824/7690).

سوم: شایعه سازی و شایعه پراکنی

یکی دیگر از شگردها و ابزارها و ساز و کارهای دشمن برای برهم زدن اتحاد میان مسلمانان، بهره گیری از شایعه سازی و شایعه پراکنی است؛ بی تردید، با اعمال و اجراء این سیاست شوم، جامعه اسلامی دچار آسیبی سخت خواهد شد، و امنیت روحی و روانی خویش را از دست خواهد داد؛ خداوند در مقام تهدید عاملان این شگرد، می فرماید: ﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُدَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا؛ البتة (بعد از این) اگر منافقان و آنان که در دلهایشان مرض (و ناپاکی) است و هم آنها که در مدینه (بر ضد اسلام) تبلیغات سوء می کنند (و دل اهل ایمان را مضطرب و هراسان می سازند) دست (از این زشتی و بدکاری) نکشند ما هم تو را بر (قتال) آنها برانگیزیم (و بر جان و مال آنها مسلط گردانیم) که از آن پس جز اندک زمانی در مدینه در جوار تو زیست نتوانند کرد﴾ (احزاب: ۶۰).

آری، «دشمنان با شایعه سازی و شایعه پراکنی در جامعه ای مسلمین راهی برای دستیابی به اهداف خود می یابند و جالب اینکه در این مراکز و محافل به نیروهای نفوذی آموزش داده می شود که چگونه برای رسیدن به مقاصد شوم خود از سادگی افراد ساده لوح و یا افراد سست ایمان استفاده کنند و با عناوینی همچون طنز و جوک و لطیفه و مانند آن به پخش شایعات در جهت اهداف فکری و فرهنگی و نظامی و سیاسی دشمن اقدام نمایند و آنان را همراه خویش سازند» (مکارم، ۱۳۷۸: ۳).

بدین گونه است که بخش اعظم از شایعاتی که در جامعه منتشر می شود و جامعه ای مسلمین را دچار تزلزل می کند، همین انتشار شایعات به وسیله ی سست ایمانها و افراد ساده لوح می باشد.

چهارم: ایجاد تزلزل در ایمان مسلمانان به حق بودن اسلام

قرآن کریم، در مقام بیان یکی از خصلت‌های یهودیان معاند با پیامبر ﷺ می‌فرماید: وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ و گروهی از اهل کتاب گفتند: به‌دین و کتابی که برای مسلمانان نازل شده اول روز ایمان آرید و آخر روز کافر شوید، شاید (به‌این حيله) آن‌ها نیز (از اسلام) برگردند ﴿آل‌عمران: ۷۳﴾.

برخی از مفسران، به‌هنگام بیان‌شان نزول این آیه، چنین آورده‌اند: «به‌تحریک سران یهودی، تعدادی صبحگاهان به‌دین اسلام گرویدند و غروب اظهار پشیمانی کردند و از دین اسلام برگشتند. این قضیه باعث سست شدن ایمان برخی از مسلمانان می‌شد و با خود می‌اندیشیدند، اشکال دین اسلام در چه بود که تازه مسلمانان یهودی، بیش از نیم‌روزی دوام نیاوردند و به‌دین خود برگشتند! آیه‌ی هفتاد و دو سوره‌ی مبارکه‌ی آل‌عمران در همین زمینه نازل شد و مسلمانان را متوجه مکر یهود کرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/ ۶۱۴-۶۱۵).

علامه طباطبایی رحمته‌الله نیز فرموده است: «یهود مدینه مصمم بودند از این راه به‌مسلمین خیانت کنند و بگویند اگر برای ایشان بطلان اسلام روشن نشده بود، هرگز آن را انکار نمی‌کردند و حالا که برگشته‌اند، نشانه‌ی این است که اسلام دین واقعی نیست؛ زیرا اهل کتاب به‌نشانه‌های نبوت آگاه هستند و اگر آن‌ها از اسلام برگردند، مسلمین نیز دچار تردید می‌شوند» (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۳/ ۷۸۶).

نتیجه‌گیری

جریان کفر همواره در مقابل اسلام و مسلمین بوده و به‌انکار حق و صف‌آرایی و عناد در برابر حقیقت طلبان پرداخته است و با استفاده از نیروهای خلاق در کنار تمام امکانات به‌سمت دستیابی به‌اهداف خود حرکت می‌کند. شگردهای متنوع جریان کفر در برابر جامعه مسلمین از منظر قرآن شامل روش‌هایی است که در نتیجه‌ی تلاش برای نفوذ و دستیابی به‌درون جامعه‌ی انسانی و اسلامی از طریق شناسایی و سوء استفاده از نقاط ضعف، سادگی و یا ناآگاهی برخی مسلمین و بسیاری عوامل دیگر ناشی می‌شود. از جمله این روش‌ها

می‌توان به‌اجرای سیاست گام به‌گام، استمرار در عمل و در مسیر حرکت به‌سمت رسیدن به‌اهداف شوم مورد نظر، اعمال عناد همه‌جانبه، شبهه‌افکنی در زمینه‌های مختلف، استهزاء و تمسخر، ایجاد اختلاف در بین صفوف متحد مومنان با بهره‌گیری از ابزارهای جنگ نرم، وارونه جلوه‌دادن حقایق، شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی اشاره نمود که در آیات قرآن کریم بدان‌ها پرداخته شده است.

جامعه‌ی مسلمین باید در برابر دشمنان کافر به‌شناسایی روش‌های نیروسازی جریان کفر طبق آیات الهی برای پیشبرد اهداف خود و رسیدن به‌تعالی در جامعه‌ی اسلامی پردازد و براساس آیه‌ی قرآن: ﴿وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ توان دینی، عقلی، اجتماعی، نظامی را تقویت نموده، مقاومت و سرکوبی حیل‌های دشمن را در پیش گیرد.

هوشیاری و مقاومت تنها راه پیشرفت و خنثی‌کننده تمام نظریات، تبلیغات و روش‌های و شگردهای متنوع دشمنان است و بدین طریق است که مسلمانان سراسر جهان اجازه نخواهند داد جریان‌های باطل، انسان‌ستیز و ضد اسلام، اتحاد مسلمانان علیه جریان کفر جهانی را خدشه دار نماید و پیام نجات‌بخش پیامبر اسلام ﷺ را در جهان طنین‌انداز خواهند کرد. پس بر ما مسلمانان جامعه‌ی اسلامی است که با دقت و تحقیق و تفکر در مورد شنیده‌ها و اخبار گوناگون و شناسایی این روش‌ها، جهت مقابله با دشمن به‌یافتن راه‌کارها پرداخته و آمادگی لازم را دریافت نماییم و دشمن کافر را در رسیدن به‌هدف پست او ناکام گذاریم و زمینه‌ساز کارآمدی حیل‌های دشمنان نباشیم.



کتابنامه

- قرآن کریم، (۱۳۹۸). ترجمه ناصر مکارم شیرازی، کتابراه، تهران.
۱. ابن طاووس، سید ابوالقاسم علی بن موسی، (۱۳۹۸). *الملاحم و الفتن*، مترجم محمد جواد نجفی، ج ۴، اسلامیه، تهران.
 ۲. ثقفی تهرانی، محمد، (۱۳۷۶). *تفسیر روان جاوید*، ج ۳، برهان، تهران.
 ۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، دارالعلم ملایین، بیروت.
 ۴. حسینی خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۴). *بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور*، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای.
 ۵. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، (۱۴۰۴). *مفردات فی غریب القرآن*، ج ۲، نشرالکتاب، بی‌جا.
 ۶. سبحانی، جعفر، (۱۳۵۴). *فرازهایی حساس از زندگانی امیرمؤمنان علیه السلام*، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۱۶، ش ۸.
 ۷. _____، (۱۴۱۶). *الایمان و الکفر فی الکتاب و السنة*، موسسه‌ی امام صادق علیه السلام، قم.
 ۸. سوئیفت، آدام، (۱۳۸۵). *فلسفه‌ی سیاسی*، ققنوس، تهران.
 ۹. سید مرتضی، علی بن حسین، (۱۳۹۹). *الذخیره فی علم الکلام*، جامعه مدرسین، قم.
 ۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۸۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۹، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
 ۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۵۲). *مجمع البیان*، فراهانی، تهران.
 ۱۲. طبری، ابو جعفر، (بی‌تا). *جامع البیان عن تاویل القرآن*، دارالمعرفه، بیروت.
 ۱۳. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۹۴). *تمهید الاصول فی علم الکلام*، ج ۱، راند، بی‌جا.
 ۱۴. قرآتی، محسن، (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، ج ۱۱، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران.
 ۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، با همکاری جمعی از نویسندگان، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
 ۱۶. مکارم، حمید، (۱۳۷۸). *شایعه‌سازی و راه‌های مقابله با آن*، ماهنامه‌ی مکتب اسلام، ش ۳.
 ۱۷. هیکل، محمد حسین، (بی‌تا). *حیات محمد صلی الله علیه و آله و سلم*، محقق عبدالرحیم موسوی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
 ۱۸. داعش میراث شوم استعمار برای خاورمیانه، *دلایل تجزیه امپراطوری عثمانی*، پایگاه خبری یافته، ۲۰۱۴/۰۹/۲۷.

19. <http://yafteneews.ir/notes/political/5949-daesh936.html>.

20. <https://hawzah.net/fa/magazine/view/5824/7690>.